

## ↑ فهرست

وجود مقدس امام حسن عسکری علیه السلام از ائمه ای هستند که تحت فشار بسیار بودند. چون هر چه که دوران ائمه (به دوره امام عصرع) نزدیکتر می شد کار بر آنها سختتر می گردید. ایشان در سامرا بودند که در آنوقت مرکز خلافت بود. از زمان «معتصم» مرکز از بغداد به سامرا منتقل شد. مدتی آنجا بود دو مرتبه برگشت. علتش هم این بود که لشکریان معتصم خیلی به مردم ظلم کردند و مردم شکایت کردند و ابتدا معتصم گوش نکرد ولی بالاخره هر طور بود راضی شد کردند و او برای اینکه سپاهیان از مردم دور باشند مرکز را به سامرا منتقل کرد.

امام عسکری و امام هادی علیهما السلام اجباراً در سامرا به سر می بردند در محلی که به نام «العسکر» یا «العسکری» نامیده می شد یعنی محلی که محل سپاهیان و در واقع پادگان بود، یعنی خانه ای که در آن زندگی می کردند برایشان انتخاب شده بود که مخصوصاً در پادگان باشند و تحت نظر. ایشان در بیست و هشت سالگی از دنیا رفتند (پدر بزرگوارشان هم در حدود چهل و دو ساله بودند که از دنیا رفتند) و دوره امامتشان فقط شش سال و طول کشید. به نص تواریخ، تمام این مدت شش سال یا در حبس بودند یا اگر هم آزاد بودند ممنوع المعاشره و ممنوع الملاقات بودند. از نظر معاشرت آزادی نداشتند، اگر هم احیاناً رفت و آمدهایی می شد یا گاهی حضرت را می خواستند، تحت نظر بودند. وضع عجیبی بود.

می دانید که هر یک از ائمه گویی یک خصلت خاص بیشتر در او ظهور داشته است که خواجه نصیر در آن دوازده بند خودش هر یک از ائمه را با یک صفتی توصیف می کند که بیشتر در او ظهور داشته است.

وجود مقدس امام عسکری علیه السلام به جلالت و هیبت و رواء<sup>(۱)</sup> به اصطلاح، ممتاز بودند یعنی اساس عظمت و هیبت و جلالت در قیافه ایشان به نحوی بود که هر کس که ایشان را ملاقات می کرد تحت تأثیر آن سیما قرار می گرفت قبل از اینکه سخن بگویند و او از علم ایشان چیزی بفهمد. وقتی که سخن می گفتند و دریای مواجی شروع می کرد به سخن گفتن، دیگر تکلیفش روشن است. در بسیاری از

حکایات و روایات این قضیه کاملاً مشخص و محرز است. حتی دشمنان با اینکه ایشان را سخت تحت تعقیب داشتند و گاهی به زندان می بردند وقتی که با حضرت روبرو می شدند وضع عجیبی داشتند، نمی توانستند در مقابل ایشان خضوع نکنند که در این زمینه داستانی را محدث قمی در کتاب «الانوار البهیة» از احمد بن عبیدالله بن خاقان که پسر وزیرالمعتمد علی الله بود، و او از پدرش نقل می کند، در حالی که خودش هم حضور داشته است. داستان فوق العاده عجیبی است که وقت گفتنش راجالتا ندارم.

علت عمده این که اینقدر امام شدید تحت نظر بود این بود که این مطلب شایع بود و می دانستند که مهدی امت از صلب این وجود مقدس ظهور می کند. همان کاری را که فرعون با بنی اسرائیل کرد که چون شنیده بود کسی از بنی اسرائیل متولد می شود که زوال ملک فرعون و فرعونیهها به دست او خواهد بود پسرهای بنی اسرائیل را می کشت و فقط دخترها را زنده نگه می داشت و زنهایی را مامور کرده بود بروند در خانه های بنی اسرائیل و به بینند کدام زن حامله است و هر زنی را که حامله بود تحت نظر بگیرند، عین این کار را دستگاه خلافت با امام عسکری انجام می داد. چه خوب می گوید مولوی:

حمله بردی سوی در بندان غیب ----- تابندی راه بر مردان غیب  
این احمق فکر نمی کرد که اگر این خبر راست است مگر تو می توانی جلوی امر الهی را بگیری؟! هر چند وقت یک بار می فرستادند به خانه حضرت به تفتیش، مخصوصاً وقتی که امام از دنیا رفت، چون گاهی می شنیدند که حضرت مهدی متولد شده اند. راجع به ولادت ایشان هم داستان را همه شنیده اید که خدای متعال ولادت این وجود مقدس را مخفی کرد و در حین ولادت کمتر کسی متوجه شد. ایشان شش ساله بودند که پدر بزرگوارشان از دنیا رفتند. در دوران کودکی، شیعیان خاص از هر جا که می آمدند حضرت ایشانرا به آنها ارائه می دادند، ولی عموم مردم اطلاع نداشتند، اما این خبر بالاخره پیچیده بود که پسری برای حسن بن علی عسکری متولد شده و او را مخفی می کنند. گاهی می فرستادند به خانه حضرت که این بچه را به خیال خود پیدا کنند و بکشند و از بین ببرند، ولی کاری که خدا می خواهد مگر بنده می تواند برضد آن عمل بکند؟! یعنی وقتی قضای حتمی الهی

در یک جا باشد دیگر بشر نمی‌تواند کاری در آنجا بکند. بعد از وفات حضرت و نیز مقارن با وفات حضرت، ماء‌مورین ریختند خانه امام را تفتیش کامل کردند و زنهای جاسوسه خودشان را فرستادند که تمام زنهای کنیز و غیر کنیز را تحت نظر بگیرند، به بیند آیا حامله‌ای وجود دارد یا نه؟ یکی از کنیزان را احتمال دادند که حامله باشد. او را بردند تا یک سال نگاه داشتند، بعد فهمیدند که اشتباه کرده‌اند و چنین قضیه‌ای نبوده است.

وجود مقدس امام عسکری مادری دارد به نام «(حدیث)» که به لقب «(جده)» معروف است. چون جده حضرت (حجت عجل الله تعالی فرجه) بودند ایشان را جده می‌گفته‌اند. زنهای دیگری هم در تاریخ هستند که به اعتبار اینکه شهرتشان به اعتبار نوه‌شان است اینها راجده می‌گویند از جمله جده شاه عباس است که دو تا مدرسه هم در اصفهان به نام جده داریم. زنی که شهرتش به نام نوه‌اش باشد قهرا به نام جده معروف می‌شود. این زن بزرگوار به نام جده معروف شد. ولی تنه‌اجده بودن سبب شهرتش نشد، مقامی دارد، عظمتی دارد، جلالتی دارد، شخصیتی دارد که نوشته‌اند مرحوم محدث قمی رضوان الله علیه هم در الانوار البهیه می‌نویسد بعد از امام عسکری مفرع الشیعه بود یعنی ملجاء شیعه این زن بزرگوار بود. قهرا در آن وقت - چون امام عسکری بیست و هشت ساله بوده‌اند که از دنیا رفته‌اند، علی القاعده مطابق سن امام هادی هم حساب بکنیم - زنی بین پنجاه و شصت بوده است. اینقدر زن با جلالت و با کمالی بوده است که شیعه هر مشکلی برایش پیش می‌آمد به این زن عرضه می‌داشت.

مردی می‌گوید در خدمت عمه امام عسکری حکیمه خاتون دختر امام جواد رفتم با ایشان صحبت کردم راجع به عقاید و اعتقادات و مسائل امامت و غیره. ایشان عقاید خود را گفت تا رسید به امام عسکری. بعد گفت فعلا امام من فرزند اوست که الان مستور و مخفی است. گفتم حال که ایشان مخفی هستند اگر ما مشکلی داشته باشیم به کی رجوع کنیم؟ گفت به جده رجوع کنید. گفتم: عجب! آقا از دنیا رفت و به یک زن وصیت کرد؟! فرمود: امام عسکری همان کار را کرد که حسین بن علی کرد. حضرت امام حسین وصی واقعی و وصی او در باطن علی بن الحسین بود ولی مگر بسیاری از وصایای خودش را در

ظاهر به خواهرش زینب سلام الله علیها نکرد؟ عین این کار را  
حسن بن علی العسکری کرد، وصی او در باطن این فرزندی است که  
مخفی است ولی در ظاهر که نمی شد بگوید وصی من اوست. در ظاهر  
وصی خودش را این زن با جلالت قرار داده است.

باسمک العظیم الاعظم الاعز الاجل الاکرم یا الله..

پروردگارا ما را قدردان اسلام و قرآن قرار بده، پروردگارا ما را  
قدردان پیغمبر اکرم قرار بده، ما را قدردان اهل بیت اطهار قرار بده،  
انوار محبت و معرفت خودت در دلهای ما بتابان، انوار معرفت و محبت  
پیغمبر و آل پیغمبر در دلهای ما قرار بده. اموات ما مشمول عنایت و  
رحمت و مغفرت خودت بفرما.

↑فرت